

استقلال کارگران از اصلاح گرایان ضروری است!

اخیراً بیانیه هایی توسط «جنبش متحد کارگران ایران» در برخی از نشریات خارج از کشور (وابسته به اکثریت و راه کارگر) درج گشته است. گرچه برخی از مطالبات و اهداف این تشکل با خواستها و منافع کارگران ایران همسویی داشته، اما ایرادهایی نیز داراست که می تواند در آتیه به جنبش کارگری ایران که در ماه های پیش با شتاب بیشتر از سابق وارد صحنه شده است، لطمه وارد آورد.

کارگران پیشروی ایران هم اکنون در موقعیت بسیار حساسی قرار گرفته اند. از یکسو تهاجمات لفظی و فیزیکی باند راست و «حزب الله»، همانند پیش، آنها را در محیط کار مورد تهدید روزمره قرار می دهد؛ و از سوی دیگر راه اندازی تبلیغات نظریات اصلاح گرایانه توسط باند «اصلاح طلب» رژیم (درون و برون هیئت حاکم)، آنها را زیر فشار قرار داده است. اصلاح طلبان (کلیه جناح های آن) خواهان حفظ وضعیت موجود و برقراری یک نظام سرمایه داری مدرن هستند. در این نظام، همانند نظام شاهنشاهی، حق و حقوق های صوری و ظاهری برای کارگران قایل شده تا از این طریق فعالیت های ضد سرمایه داری آنها را محدود کنند.

برای نمونه تشکیل «حزب کارگران اسلامی» و یا انتشار مقالاتی توسط برخی از رهبران سابق کارگران مبنی بر ادغام جنبش مستقل کارگری با نمایندگان (کارگر) رژیم، بخشی از این مداخلات بوده است.

نظریات ارائه داده شده توسط «جنبش متحد کارگران ایران» نیز متأسفانه مستثنی از این روش نیست.

مسئله «استقلال» کارگران حائز اهمیت است

کارگران تنها در درون یک تشکل «مستقل» از رژیم سرمایه داری و کلیه جناح های وابسته به آن (درون یا برون هیئت حاکم یا رادیکال و غیر رادیکال) و بدون «آقای بالا سر» و «قیم» قادر خواهند بود که از منافع خود دفاع کنند.

اما، در بیانیه «جنبش متحد کارگران ایران» (شهریور ۷۹) چنین آمده است: «جنبش متحد کارگران... خود را به عنوان یکی از گروه های مستقل و قانونی کارگری در زیر مجموعه اتحادیه اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان سراسر کشور به دبیر کلی مبارز خستگی ناپذیر مهندس حشمت اله طبرزدی... دانسته... (زیرا) او در این عرصه از هیچگونه تلاش و کوششی در جهت استیفای حقوق از دست رفته کارگران بیدفاع مظلوم دریغ نورزیده...»

اول، چگونه می توان خود را یک تشکل «مستقل» کارگری قلمداد کرد و در عین حال «زیر مجموعه» یک نهاد «دانشجویی» و رهبر «مهندس» آن قرار گرفت؟ بدیهی است که اعلام چنین موضعی به خودی خود نشان دهنده این امر است که یا «جنبش متحد کارگران ایران» یک نهاد مستقل نمی باشد و توسط عده ای (کارگر و یا غیرکارگر) به نیابت از کارگران و با نام آنها ساخته شده، و یا درک ناصحیحی از یک تشکل مستقل در آن حاکم است.

دوم، چنانچه آقای مهندس طبرزدی کوشش بیدریغ در دفاع از حقوق کارگران کرده است، بایستی خود او به جنبش کارگری و نهادهای مستقل آن ملحق شود و نه برعکس. در دوره انقلاب بسیاری از همین دانشجویان و مهندسان حزب هایی ساختند و کارگران را به خود جلب کرده اند و در مواقع حساس پشت کارگران را خالی کردند و آنها را به حال خود رها کردند. تجربه حداقل انقلاب اخیر ایران باید به کارگران نشان داده باشد که آنها تنها به نیرو و توان و قابلیت فکری خود و متحدانشان (که در جبهه آنها قرار گرفته اند) می تواند متکی باشد و تدارک مبارزه با

کارفرمایان و رژیم را سازمان دهند. بهر حال بهتر است ذکر شود که این کمک های بیدریغ مهندس طبرزدی به کارگران ایران در کجا و چه زمانی بوده است؟

سوم، کارگران مستقل ایران دیگر پس از سپری شدن بیش از دو دهه و تجربه این رژیم درک کرده اند که قانون رژیم اسلامی و کلیه نهادهای آن در خدمت حفظ منافع سرمایه داری است. چگونه می توان با حضور چنین رژیمی به مطالبات به حق کارگری دست یافت؟ برای نمونه حق اعتصاب یک مسلم کارگران است. آیا در قانون کنونی رژیم و یا در برنامه اصلاح طلبان نظیر مهندس طبرزدی این حق مسلم وجود دارد؟ چنانچه کارگران دست به یک اعتصاب عمومی برای گرفتن حق خود کنند، آیا اصلاح طلبان در کنار آنها قرار خواهند گرفت؟ اگر چنین است چرا کلیه باندهای رژیم در سرکوب کارگران اسلام شهر و سایر مبارزات کارگری متحداً عمل کرده اند؟

بدیهی است که کارگران برای احقاق حقوق خود بهتر است خود را مستقل از هر شخصیت و گروه و جبهه ای سازمان دهند، وگرنه آنها هرگز به حقوق خود نخواهند رسید.

از مطالبات صنفی و دمکراتیک باید فراتر رفت

در گزارش اخیر «جنبش متحد کارگران ایران» (رجوع شود به ضمیمه) آمده است که بنیادهای به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد، علوی و غیره «اقدام به چپاول و غارت سرمایه های ملی... و دسترنج کارگران مظلوم نموده اند». این مطلب کاملاً صحیح است. اما، تنها ذکر این مطالب عمومی دیگر کافی نمی باشد. کارگران مستقل بهتر است با تشکیل یک کمیسیون کارگری خواهان رسیدگی به دخل و خرج این بنیادها شوند. در این مورد خواست باز کردن دفترهای بنیادها و وابسته به رژیم یکی از مطالبات محوری کارگران می تواند باشد. اگر رژیم اذعان دارد که پول های جمع آوری شده توسط بنیادهای مذکور در راستای کمک رسانی کارگران و زحمتکشان (مستضعفین) بوده است، باید تمام حساب و کتاب های آن بنیادها علنی

کند. مبارزه پیرامون این شعار می تواند آغازگاه یک عمل مشخص برای کسب حقوق از دست رفته کارگران باشد. یا رژیم به این مطالبه تن می دهد که افشا می گردد و یا توافق نمی کند، که در آنصورت کارگران مستقل از چارچوب یک اقدام «قانونی» خارج شده و به شیوه های ابتدایی کارگری یعنی سازماندهی اعتصاب مباردت می کنند.

تشکیل «جبهه سوم» برای کسب حقوق دمکراتیک

مردم تحت ستم ایران به ویژه دانشجویان و زنان و کارگران پیشرو در مقابل «تمامیت خواهان» و «اصلاح طلبان» مباردت به تشکیل یک جبهه سوم کرده اند. مشاهده بیش از ۳ سال قول و قرارهای بی اساس خاتمی و بی ارادگی اصلاح طلبان در مجلس ششم در مقابله با «حزب الله»، بیش از گذشته این گرایش عینی را تقویت کرده است. اما، بدون حضور فعال کارگران مبارز در این جبهه و نقش تعیین کننده و رهبری کننده کارگران، طبعاً این جبهه با شکست مواجه خواهد شد. «دفتر تحکیم وحدت» به رهبری طبرزدی در عمل نشان داده که در درون این جبهه قرار نگرفته است. در قیام شش روزه دانشجویان تهران، پشت دانشجویان مستقل توسط «دفتر تحکیم وحدت» خالی گشت. مقاومت دانشجویی در مقابل تهاجمات اوباش «حزب الله» ی تحت لوای «لبخند اصلاحات» در هم کوبیده شد. گسست از نهادهای اصلاح طلب که توهم را به سرمایه داری دامن می زند، و الحاق به جبهه سوم (یعنی جبهه ضد رژیم سرمایه داری) توسط کارگران مستقل نخستین گام در راستای کسب حقوق از دست رفته کارگران است.

۱۲ آبان ۱۳۷۹

برای مطالعه سایر مقالات مسایل کارگری رجوع شود به سایت:

<http://www.kargar.org/kargaran.htm>